

سنجش وضعیت پایداری توسعه محلی در کلاردشت با استفاده از یک الگوی راهبردی

کوروش برارپور* - دانشجوی دکتری رشته مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس

دریافت مقاله ۱۳۸۵/۸/۲۸ - تأیید نهایی ۱۳۸۵/۱۲/۱۶

چکیده

به رغم این که مفهوم راهبردهای توسعه شهری حدود ۲ دهه است وارد ادبیات مدیریت شهری شده اما رویکرد غالب به توسعه در سیستم‌های مدیریت شهری در کشور ما به گونه‌ای است که تنها در حد هدایت و راهبری طرح‌های هادی یا جامع شهری، تغییرات کاربری واحدها و گسترش سرمایه‌های فیزیکی محدود مانده است. به عبارت دیگر پارادایم‌های غالب در فرایند توسعه شهری در ایران، طوری شکل گرفته است که بیشتر به بعد اقتصادی توسعه توجه دارد. این در حالی است که در دنیای امروز، استراتژی‌های توسعه اقتصادی بدون در نظر داشتن ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی آن، پویایی را ایجاد می‌کند که به موجب آن، عوامل اصلی توسعه‌یافتگی به جای آن که به عنوان پیشران برای فرآیند توسعه عمل کنند، با تأخیرهای زمانی، در مقابل توسعه قرار می‌گیرند. در این حالت، این گونه توسعه‌ها را ناپایدار تلقی می‌کنند. این نوشتار یافته‌های مطالعه‌ای را ارائه می‌کند که با استفاده از روش وزن‌دهی ترجیحی (PW)، وضعیت پایداری توسعه محلی را در کلاردشت مورد سنجش و بررسی قرار داده است. در این مطالعه پس از نمونه‌گیری، سنجش، پردازش و پایش دستاوردها و پیامدهای منفی حاصل از توسعه محلی کلاردشت در ۲۰ سال گذشته و مقایسه آن با استانداردهای بین‌المللی ارائه شده برای سنجش پایداری توسعه، جهت میل توسعه محلی این منطقه از کشورمان به سمت پایداری، سیاست‌های مناسب پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: راهبرد- توسعه شهری (CDS)، توسعه پایدار، صنعت گردشگری، وزن دهی ترجیحی (PW)، کلاردشت.

مقدمه

کلاردشت منطقه‌ای زیبا و باستانی با قدمت ۴۰۰۰ ساله، در غرب استان مازندران است که دارای جاذبه‌های گردشگری طبیعی منحصر به فردی می‌باشد. به همین دلیل همواره مورد توجه و شکارگاه شاهان سلسله‌های مختلف نیز، بوده است (ملکپور، ۱۳۷۸).

اگرچه تاریخچه توسعه این منطقه، به نیمه اول دهه ۴۰ بر می‌گردد و پروژه توسعه آن یکی از اولویت‌های طرح انقلاب سفید پهلوی دوم به حساب می‌آمد (ابوترایان، ۱۳۷۱) اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و براساس

توصیه یکی از دولت مردان کشورمان به سرمایه‌داران داخلی در اردیبهشت ۱۳۷۰، مبنی بر انتقال سرمایه خود به منطقه کلاردشت به منظور توسعه جاذبه‌های گردشگری آن (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۰)، خیل عظیمی از سرمایه‌های اقتصادی آن‌ها به کلاردشت گسیل شد. این در حالی بود که پیش از آن، هیچگونه مطالعه امکان‌سنجی در خصوص توریستی شدن کلاردشت صورت نگرفته بود. البته صاحبان سرمایه، نه با هدف سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری بلکه با نگاه اعیان‌نشینی و اهداف سوداگرایانه به خرید و فروش زمین‌های مردم کلاردشت که (همچون دیگر هم وطنان) به تازگی پیامدهای اقتصادی-اجتماعی دوران انقلاب، جنگ و پس از جنگ را پشت سر گذاشته بودند و در ابتدای دوره گذار قرارداشتند، مبادرت کردند. پیامد ناشی از خرید و فروش زمین‌های کشاورزی مردم، تنها در کاهش سرمایه‌های انسانی در آن منطقه خلاصه نمی‌شد بلکه جذابیت ناشی از بالا رفتن قیمت زمین‌های منطقه، دینامیکی را ایجاد می‌کرد تا به واسطه آن، مردم برای رسیدن به سهم بیشتری از منافع کوتاه مدت اقتصادی، اقدام به تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی کنند و یا جهت رسیدن به سود اقتصادی بیشتر، به فروش چندباره زمین‌های خود پردازند و همین امر زمینه‌ساز کاهش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همچون: اعتماد متقابل، آرامش، امنیت و تشخص فرهنگی در منطقه گردید. البته جذابیت گران شدن زمین‌های کلاردشت تنها بین مردم بومی و تازه واردین به منطقه خلاصه نمی‌شد، بلکه در نیمه اول دهه ۱۳۷۰، با مطرح شدن احداث پروژه آزاد راه تهران-شمال دینامیک‌های دیگری جهت کاهش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت آشکار شد که به موجب آن ۷۰۰ هکتار از بهترین جنگل‌های پهن‌برگ کلاردشت بابت پروژه یاد شده به دستگاه‌های دولتی و مجریان پروژه واگذار می‌شد (ابراهیمی-سازمان جنگل‌ها، ۱۳۷۹)، (شکل ۱). هم چنین در نیمه اول دهه ۱۳۸۰، دینامیک دیگری جهت تخریب جنگل‌های پهن‌برگ کلاردشت شکل گرفت که طرح خروج دام از جنگل نام داشت. به موجب این طرح، معادل مراتعی که مالکیت آن‌ها در اختیار دامداران بومی بود، جنگل‌های مشرف به شهر کلاردشت به آن‌ها واگذار و به طور خودگردان، منجر به تغییر کاربری زمین‌های یاد شده از وضعیت بکر یا کشاورزی به وضعیت مسکونی می‌شد. شکل ۲ بخشی از زدایش جنگل‌ها و واگذاری آن‌ها را به افراد به تصویر کشیده است.



شکل ۱ زدایش چهار هکتار از جنگل‌های منطقه بی‌قلعه کلاردشت

شکل ۲ زدایش جنگل‌های انبوه منطقه طویدره کلاردشت بابت طرح

خروج دام از جنگل (بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

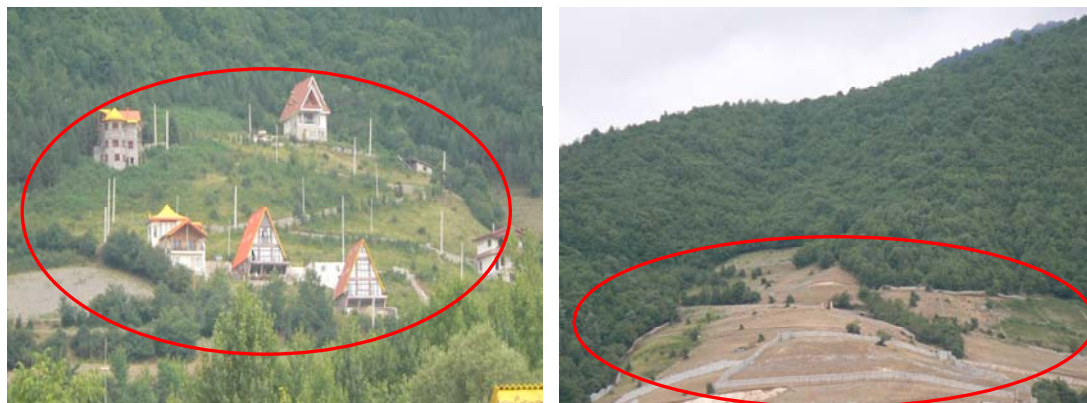
بابت پروژه آزادراه (بر گرفته از: آرشیو پژوهش)



شکل ۳ دپوی تخته سنگ‌های استخراج شده منطقه رودبارک کلاردشت (بر گرفته از: آرشیو پژوهش)
 شکل ۴ فرسایش خاک ناشی از احداث سد در منطقه سیاه بیشه کلاردشت (بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

اما مطابق شکل های ۳ و ۴ پروژه‌های دیگری که منجر به زدایش سرمایه‌های طبیعی زایش‌پذیر (اکولوژیک یا تجدیدپذیر) و زایش ناپذیر (مادی یا تجدید ناپذیر) منطقه کلاردشت شده، پروژه استخراج سنگ‌های تزئینی رودبارک و احداث سد آبی سیاه بیشه است.

پروژه دیگری که زدایش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت را تکمیل می‌کرد پروژه واگذاری جنگل‌های حاشیه این شهر به کارمندان دولت بود. بر اساس مستندات این طرح و مطابق شکل های ۵ و ۶، اداره کل منابع طبیعی استان مازندران در اواخر دهه ۱۳۷۰، با بوته زار تلقی کردن جنگل‌های مناطق طبرسو، لاهو و حسن کیف حدود پنج هکتار از آن‌ها را به کارمندان دولت واگذار نمود که اغلب این افراد نیز پس از دریافت مبالغ ناچیز، این منابع را به ثروتمندان منتقل کردند.



شکل ۵ زدایش جنگل‌های منطقه طبرسو کلاردشت توسط کارمندان دولت (بر گرفته از: آرشیو پژوهش)
 شکل ۶ زدایش جنگل‌های منطقه لاهو کلاردشت توسط کارمندان دولت و انتقال (بر گرفته از: آرشیو پژوهش)
 آن به ثروتمندان و گسترش سرمایه‌های فیزیکی (بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

هدف اصلی این پژوهش علاوه بر سنجش میزان پایداری توسعه در کلاردشت، پیشنهاد سیاست‌های مناسب برای انتقال آن منطقه به سمت آینده‌ای مطلوب نیز می‌باشد. برای ترسیم آینده مطلوب این شهر، حدود ۸۰ شهر از سراسر جهان همراه با مدل‌ها و الگوهای توسعه آن‌ها که ۵۰ سال آینده را هدف قرار داده است مورد بررسی

قرار گرفت. اهمیت و ضرورت اجرای این پژوهش از آن جهت معنا می‌یابد که جامعه انسانی و طبیعی کلاردشت از سه مسئله کلیدی (از جنس؛ هم فوری^۱ و هم ضروری^۲) رنج می‌برد که عبارتند از: ۱. تخریب محیط زیست ۲. ساخت و سازهای غیرمجاز ۳. رشد ایستای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی. اساسی‌ترین سوال پژوهش نیز بر این مبنا شکل می‌گیرد و آن عبارت است از این که؛ آیا توسعه صورت گرفته در کلاردشت پایدار است یا خیر؟

مفهوم توسعه پایدار به روش‌های گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی چون بیان چشم انداز و آرمان‌ها (Lee, 1993)، تبادل ارزش‌ها (Clark, 1989)، توسعه اخلاقی (Rolston, 1994)، بازسازماندهی اجتماعی (Gore, 1992)، یا فرایند تحول به سمت آینده بهتر (Viederman, 1994) بارور شده است. ایده محوری توسعه پایدار مؤثرتر از همه توسط کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷ تبیین گردید. مطابق با تعریف این کمیسیون، توسعه ای پایدار است که بتواند "احتیاجات نسل حاضر را بدون فدا کردن توانایی نسل‌های آتی برای برآورده سازی نیازمندی‌هایشان تأمین کند." (World Commission on Environment and Development, 1987). از آن زمان تا کنون این بیان موجز و پرمحتوا به طور فزاینده‌ای توسط دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌ها و شرکت‌های تجاری، مؤسسات علمی و دانشگاهی و گروه‌های غیردولتی پذیرفته و تأیید شده است (Gladwin, 1997). بدین ترتیب امروزه ادبیات مدیریت راهبردی توسعه با گذر از توجه صرف به سرمایه‌های فیزیکی به طور فزاینده‌ای توجه خود را به مدیریت انواع سرمایه‌های تأثیرگذار در فرایند توسعه همچون سرمایه‌های طبیعی^۳ (خدمات، کارکردها، فرایندها و منابع زایش پذیر بیولوژیکی در کنار منابع زمینی زایش ناپذیر نظیر مواد معدنی، سوخت‌های فسیلی، آب‌های زیرزمینی)، سرمایه‌های انسانی^۴ (دانش، مهارت، سلامتی، تغذیه، ایمنی، امنیت و انگیزه انسان‌ها)، و سرمایه‌های اجتماعی^۵ (انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، مشارکت پذیری و تشریک مساعی، برابری فرصت‌ها، آزادی شکل‌های صنفی، نظم) معطوف کرده است (Gladwin et al., 1995, White, 2004). هم‌چنین اتحادیه اروپا (EU, 2000) در پنجمین و ششمین چارچوب برنامه ریزی خود برای آینده شهرها اعلام می‌کند؛ طی یک دهه گذشته، مفاهیم و منطق توسعه پایدار در، جهت‌گیری‌های راهبردی توسعه شهری گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است.

ریس^۶ به نقل از گان (Gunn, 1994) می‌گوید: توسعه پایدار محلی، تغییر اجتماعی - اقتصادی مثبتی است که سیستم‌های فرهنگی، اجتماعی و اکولوژیکی جامعه محلی را تحت تأثیر و تغییر اساسی قرار نمی‌دهد و تحقق موفقیت آمیز آن به فرایندهای منسجم سیاسی، برنامه ریزی، مدیریتی، پایش و یادگیری اجتماعی نیازمند است. هم‌چنین کارایی سیاسی آن به مشارکت فعال ساکنان محلی بستگی دارد که آن، از طریق مساعدت دولت، مؤسسات اجتماعی و ارتباط به خوبی مدیریت شده همه ذینفعان صورت می‌گیرد.

¹ Urgent

² Important

³ Natural Capitals

⁴ Human Capitals

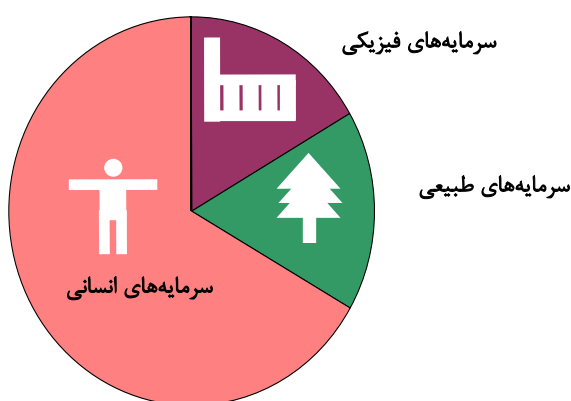
⁵ Social Capitals

⁶ Rees

تا سال های اخیر مقایسه تولید ناخالص ملی سرانه^۱ کشورها با یکدیگر آسان ترین روش اندازه گیری میزان توسعه یافتگی بوده است. اما به موازات آن که ارتباط میان رشد اقتصادی و ابعاد اجتماعی و زیست محیطی توسعه بهتر درک می شود، متخصصان و اقتصاددانان بر این مهم هم نوا می شوند که توجه یک جانبه به رشد اقتصادی، به نحو اجتناب ناپذیری توسعه را ناپایدار می سازد یعنی نمی تواند برای مدت طولانی به همین سیاق ادامه یابد (Soubotina, 2004). دغدغه توسعه در پارادایم جدید، خوشبختی چندجانبه نسل بشر است. بر این مبنا تولید ناخالص ملی سرانه بالا لزوماً نشانه خوشبختی مردم یک جامعه نیست؛ چرا که معیارهای دیگری نیز در این بین تأثیرگذارند که تولید ناخالص ملی، آن ها را پوشش نمی دهد.

معیارهای اقتصادی تنها نماینده بخشی از نیازهای نسل بشر است، درحالی که نیازهای دیگری نیز وجود دارند که حداقل در دیدگاه نخست، همگون با دغدغه های اقتصادی به نظر نمی رسند. برای مثال سازمان ملل متحد برای سنجش میزان توسعه یافتگی از یک شاخص ترکیبی به نام "شاخص توسعه انسانی"^۲ استفاده می کند. این شاخص ترکیبی، یک میانگین ساده از سه شاخص بیان کننده موفقیت های یک کشور در بهداشت و سلامتی - که با امید به زندگی در هنگام تولد سنجیده می شود، آموزش - که سواد خواندن و نوشتن بزرگسالان جامعه و میزان ثبت نام در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی را در بر می گیرد، و استانداردهای زندگی - که در قالب درآمد سرانه بر حسب قدرت خرید تعادلی^۳ بیان می شود - است (UNDP, 2005).

بدین ترتیب امروزه سازمان های بین المللی دست اندرکار توسعه از شاخص هایی ترکیبی برای اندازه گیری توسعه پایدار استفاده می کنند (Soubotina, 2004). بانک جهانی، توسعه پایدار را "فرایند مدیریت سبدی^۴ از دارایی ها به منظور حفظ و اعتلای فرصت هایی می داند که مردم پیش رو دارند." بانک جهانی مطابق شکل ۷ این سبد را متشکل از سه دسته سرمایه فیزیکی، طبیعی، و انسانی دانسته است و بر این اساس شاخصی به نام "ذخیره خالص تعدیل شده"^۵ را برای اندازه گیری توسعه پایدار مطرح کرده است (The World Bank, 2006d).



شکل ۷ ثروت ملی در قالب سبدی از انواع دارایی ها (The World Bank, 2006d)

¹ GNP Per Capita

² Human Development Index

³ Purchasing Power Parity (PPP)

⁴ Portfolio

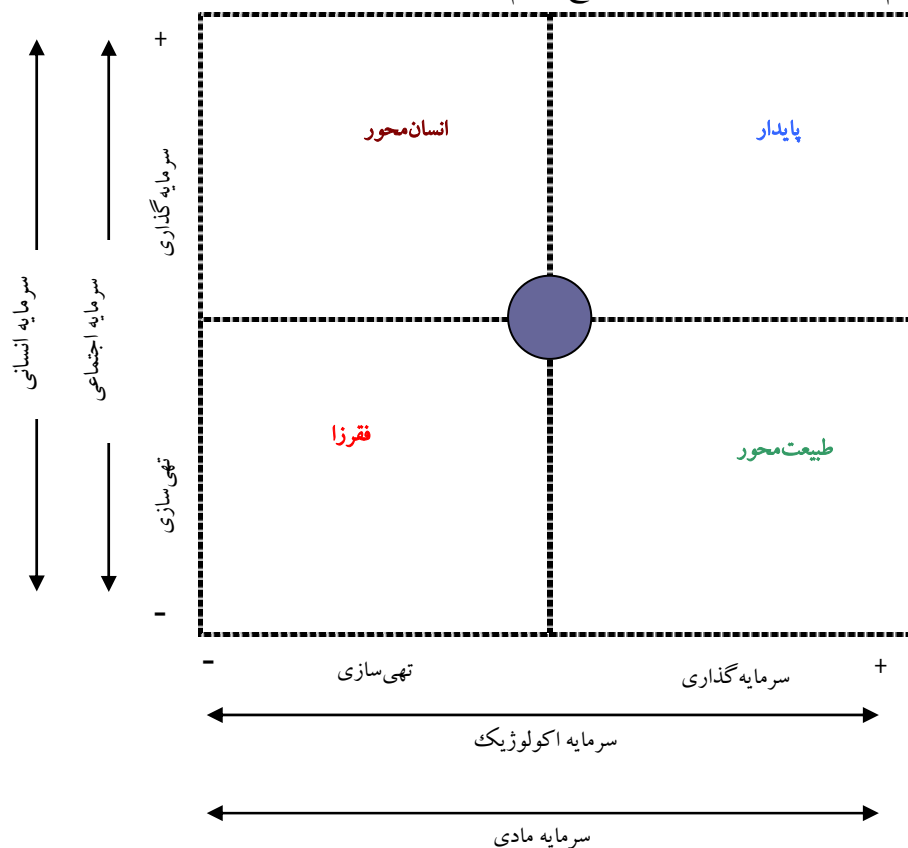
⁵ Adjusted Net Saving (formerly called *Genuine Saving*)

این شاخص که نحوه محاسبه آن در شکل ۸ نشان داده شده است نرخ واقعی ذخیره را در یک اقتصاد پس از محاسبه میزان کاهش یا افزایش سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی، و انسانی می‌سنجد (Bolt et al., 2002).

$$\text{ذخیره خالص تعدیل شده} = \frac{\text{افزایش سرمایه های انسانی} - \text{کاهش سرمایه های طبیعی} + \text{افزایش سرمایه های فیزیکی}}{\text{تولید ناخالص ملی}} \times 100$$

شکل ۸ محاسبه نرخ سرمایه گذاری خالص (Bolt et al., 2002)

گلاوین (Gladwin, 2000) بر اساس مفهوم ذخیره خالص تعدیل شده الگویی راهبردی برای توسعه پایدار پیشنهاد داده که براساس اولویت دادن به سرمایه های طبیعی و اجتماعی، نسبت به سرمایه های فیزیکی و تولیدی پایه ریزی شده است. در این الگو، که در شکل ۹ نمایش داده شده، سرمایه های طبیعی^۱ و سرمایه های اجتماعی^۲ بیش از آن که به عنوان جایگزین دارایی های مصنوع بشر^۳ نگریسته شوند، به عنوان مکمل آن فرض می‌شوند. چون بهره‌وری هر نوع سرمایه به وجود انواع دیگر وابسته است، پس هر گونه سرمایه معرفی شده در الگو می‌بایست جداگانه سالم باقی بماند - به معنای دیگر هیچ کدام نمی‌توانند جای خالی دیگری را پر کنند.



شکل ۹ پایداری به معنای سرمایه گذاری و مراقبت سبب سرمایه‌ها (Gladwin, 2000)

¹ Natural Capital

² Social Capital

³ Manufactured Capital

مواد و روش ها

مبانی علمی این پژوهش مبتنی بر مفاهیم توسعه پایدار و با تکیه بر دانش علوم مدیریت تحول پایه‌ریزی شده و طی هشت گام وارد فاز اجرا شد که عبارت است از: ورود، عارضه‌یابی، گردآوری داده، پردازش اطلاعات، ارائه بازخورد اطلاعات عارضه‌یابی به ذی‌نفعان طرح، طراحی برنامه‌های تحول بر اساس منطق توسعه پایدار، رهبری و مدیریت تحول، ارزیابی و نهادینه‌سازی برنامه‌های تحول. گردآوری داده‌های اولیه پژوهش براساس: پرسش‌نامه، مشاهده (میدانی) و مصاحبه صورت گرفته و برای بررسی اسناد، قوانین، دستورالعمل‌ها و رویه‌های اعمال شده برای اداره مدیریت شهری و واگذاری سرمایه‌های طبیعی به افراد، از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای (اطلاعات) استفاده شده است. هم‌چنین گردآوری داده‌های ثانویه نیز بر اساس: مشاهده سایه به سایه^۱، پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته و برای پردازش اطلاعات پژوهش از الگوها و مدل‌های موجود در حوزه مدیریت تحول و توسعه پایدار استفاده شده است. فرضیه این پژوهش این است که توسعه صورت گرفته در کلاردشت طی ۲۰ سال گذشته، پایدار نبوده است. ارزیابی پایداری توسعه نیز بر اساس معیارهای معرفی شده توسط سازمان‌های جهانی صورت گرفته و با استفاده از روش وزندهی ترجیحی^۲، تشریح شده، ماتریس ارزیابی متوازن تعدیل شده استخراج گردید.

رویدادهای یادشده در بخش دیباچه، سمت و سوی اولیه این پژوهش را که هدف کلی آن سنجش و ارزیابی پایداری توسعه در کلاردشت بود در اوایل ۱۳۷۷ مشخص می‌کرد که در اواخر ۱۳۸۳ به پیشنهاد شورای شهر کلاردشت منجر به شکل‌گیری طرحی با عنوان: "تدوین چشم‌انداز و استراتژی‌های ۲۰ساله آینده کلاردشت برای افق ۱۴۰۴، براساس سند چشم‌انداز ملی" و هم‌چنین سبب تأسیس یک سازمان مردم‌نهاد با رویکرد ساختارموازی و با نام "بنیاد توسعه پایدار کلاردشت" شد. سازمان‌های با ساختار موازی، سازمان‌هایی هستند که با هدف حل مسئله به سازمان‌های با ساختار رسمی، یاری می‌رسانند (کامینگر، ۱۳۸۵). برارپور (الف ۱۳۸۵) طی مطالعه‌ای در زمینه مشکلات جامعه کلاردشت اعلام می‌کند: در طول ۲۰ سال گذشته به دلیل برداشت‌های غیرعلمی و عدم حفاظت و یا کاشت دوباره جنگل‌های کلاردشت، حدود ۴۳ درصد از آن‌ها نابود شده است این درحالی است که طبق اعلام سازمان جنگل‌ها (سودابه علی احمد کروری، ۱۳۷۸) هر هکتار جنگل ۲/۵ تن اکسیژن تولید می‌کند. انوشیروان محسنی (۱۳۸۴) و جلالی (۱۳۸۵) نیز اعلام می‌کنند: اگر چه ۷۰۰ هکتار از جنگل‌های کلاردشت بابت کارمزد پروژه آزاد راه تهران-شمال به پیمانکار طرح واگذار شده بود اما اخیراً تمامی مصوبه‌های قبلی مرتبط با این موضوع لغو شده است. سلیمان پور (۱۳۸۵) نیز میزان تخریب‌های صورت گرفته توسط طرح خروج دام از جنگل که منجر به ریشه کن کردن درختان پهن برگ شده را حدود ۴۰ هکتار اعلام می‌کند. برارپور (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای دیگر می‌افزاید: به ازای هر تن کاغذ، مقوا و سایر مصارف صنعتی دیگر، ۱۷ درخت از جنگل‌های کلاردشت قطع می‌شود.

¹ Shadow Observation.

² Preferred Weighting (PW).

³ Non Governmental Organization (NGO)

اگر چه هیأت مدیره شهر کلاردشت (۱۳۸۴) ارزش تجاری هر تخته سنگ گرانیتی استخراج شده از منطقه رودبارک را (که به لحاظ مرغوبیت در نوع خود در جهان بی نظیر است) ۱۰۰ میلیون تومان برآورد می‌کند اما خسارت‌های زیست محیطی ناشی از استخراج غیر علمی آن که بستر رودخانه سردآبرود را برای خیزش سیل و دیگر حوادث غیرمترقبه آماده ساخته، غیر قابل برآورد و جبران می‌داند. هم چنین درآمد حاصل از استخراج این سنگ‌ها نه تنها منجر به افزایش سرمایه‌های انسانی در کلاردشت نشده بلکه کاهش سرمایه‌های اجتماعی و انقراض نسل برخی از گونه‌های نادر گیاهی و جانوری را در پی داشته است (برارپور، ب ۱۳۸۵).

مطالعات میدانی این پژوهش حاکی از آن است که در کلاردشت به طور متوسط روزانه ۱۰ تن زباله تولید می‌شود، به طوریکه اگر این حجم از زباله بازیافت شود سالانه حدود ۳۰۰ هزار دلار صرفه‌جویی ارزی به همراه خواهد داشت، این درحالیست که اگر خسارت‌های زیست محیطی ناشی از دفع ناقص زباله‌ها را در جنگل‌های عباس‌آباد کلاردشت نادیده بگیریم، سالانه حدود ۴۰۰ میلیون تومان، برای از بین بردن زباله در کلاردشت هزینه می‌شود.^۱ هم چنین به دلیل فقدان سیستم بازیافت فاضلاب شهری در کلاردشت، آلودگی‌های ناشی از آن به آب‌های سطحی و زیرزمینی منتقل می‌شود. این پژوهش در یکی دیگر از یافته‌های خود به این نتیجه می‌رسد که درآمد سرانه شهر توریستی کلاردشت به عنوان یکی از شاخص‌های رشد اقتصادی آن، به فروش زمین توسط مردم وابسته است و نه صنعت گردشگری! مطالعات برارپور در خصوص ارزیابی شاخص‌های سرمایه انسانی (۱۳۸۵) حاکی از آن است که: حدود ۸۵ درصد از جوانان تحصیل کرده ساکن در کلاردشت به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شغل واسطه‌گری در حوزه خرید و فروش زمین اشتغال دارند. وی می‌افزاید: از هر ۱۰۰ نفر فرهنگی تنها ۲ نفر صاحب پست الکترونیکی^۲ بوده به طوری که این دو نفر به ندرت وارد صندوق پست الکترونیکی^۳ خود می‌شوند. مطالعه ای دیگر در همین زمینه، روی مدیران شهر کلاردشت به این نتیجه می‌رسد که: هیچ کدام از آن‌ها با دانش و مهارت‌های مدیریت نوین آشنا نبوده و اکثراً به دلیل فقدان زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در منطقه، مهارت‌های مرتبط با این پارادایم تقریباً نوظهور در کشور ما را فرا نگرفته‌اند (برارپور، ۱۳۸۵).

حاتمی در مطالعه ای دیگر می‌گوید به دلیل فقدان دانشگاه و مراکز علمی - پژوهشی در کلاردشت و مهاجرت‌های علمی و شغلی قشر تحصیل کرده به سایر نقاط داخل یا خارج از کشور، عوامل اصلی توسعه یافتگی، در خدمت توسعه پایدار منطقه نبوده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که به دلیل نا کارآمدی ابزار و ارکان توسعه در کلاردشت، طی ۲۰ سال گذشته عوامل اصلی توسعه یافتگی در جهت زدایش محیط زیست آن عمل کرده است و نه توسعه پایدار. رفتار مرجع^۴ شکل ۱۰، روند روبه رشد زدایش را در این منطقه که در بخش‌های بعدی به بررسی علت‌های آن پرداخته می‌شود، نمایش می‌دهد. این نمودار بیان می‌کند که، بعد از

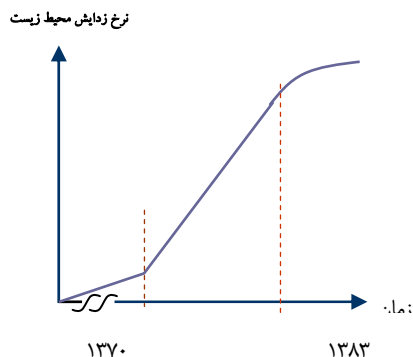
^۱ حدود ۳۰ درصد از حجم زباله‌های کلاردشت، موادی هستند که برای بسته‌بندی بکار می‌روند.

^۲ Email

^۳ Mail box

^۴ Reference Mode

رخداد زلزله شمال کشور در اردیبهشت ۱۳۸۳، سیر فراینده زدایش تا حدودی فروکش کرده است (برارپور، ۱۳۸۴).



شکل ۱۰ رفتار مرجع زدایش محیط زیست کلاردشت (منبع: یافته‌های پژوهش)

اگرچه سیر فراینده زدایش های یادشده منجر به افزایش نسبی نرخ رشد اقتصادی و یا به عبارت دیگر افزایش نسبی سرمایه‌های فیزیکی^۱ در این منطقه شده اما، کاهش سرمایه‌های انسانی^۲، اجتماعی^۳ و طبیعی^۴ را در پی داشته است.

بومی‌سازی الگوی راهبردی توسعه پایدار

پژوهش حاضر، کار خود را بر مبنای مفاهیم ارایه شده در الگوی ذخیره خالص تعدیل شده توسط بانک جهانی و الگوی راهبردی گلاوین بنا نهاد. بر این اساس الگوی راهبردی معرفی شده در شکل ۹ با الهام‌گیری از ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی^۵ (David, 2001) تکامل یافت و در قالب شکل ۱۱ به کار گرفته شد. دستگاه مختصات شکل ۱۱ دارای همان چهار ناحیه معرفی شده در الگوی گلاوین است و ابعاد ۴ گانه توسعه در منطقه کلاردشت را از منظر پایداری در سال‌های اخیر نشان می‌دهد. این چهار بعد عبارتند از: سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی کلاردشت، مصنوعیت سرمایه‌های طبیعی کلاردشت اعم از سرمایه‌های طبیعی زایش‌پذیر و زایش ناپذیر، ثبات محیط کلاردشت و توان بازدارندگی جامعه محلی کلاردشت در برابر زدایش سرمایه‌های طبیعی.

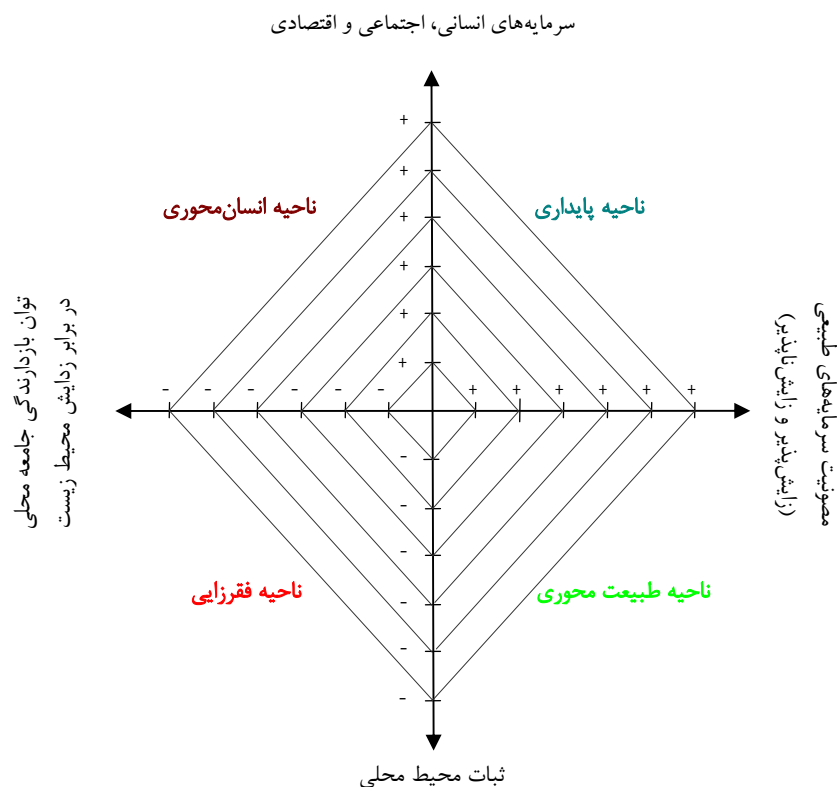
¹ Physical capitals

² Human Capital

³ Social Capitals

⁴ Natural Capital

⁵ Strategic Position and Action Evaluation (SPACE)



شکل ۱۱ الگوی بومی شده‌ی ارزیابی پایداری توسعه در منطقه کلاردشت (منبع: یافته‌های پژوهش)

در این مرحله معیارها و شاخص‌های معرف هر یک از ابعاد چهارگانه انتخاب و در قالب پرسش نامه ای که این مقاله آمده، بیان شدند. در این راستا سرمایه انسانی کلاردشت به عنوان "دانش، مهارت‌ها، شایستگی‌ها و سایر ویژگی‌های محلی که تسهیل‌گر خلق رفاه شخصی، اجتماعی و اقتصادی در منطقه است" تعریف گردید (OECD, 2001). در پژوهش حاضر، برای ارزیابی کیفیت و کمیت سواد افراد (Statistics Canada, 2005) در جامعه کلاردشت از معیارهای زیر که بر اساس استانداردهای سواد عصر دیجیتال طراحی گردیده (برایپور، پ ۱۳۸۵)، استفاده شده است:

- سواد پایه: مهارت زبانی و سواد عددی لازم برای کار و زندگی در اجتماع.
- سواد علمی: دانش و فهم مفاهیم علمی و فرایندهای مورد نیاز در تصمیم‌گیری، مشارکت در امور شهروندی، مسایل فرهنگی و بهره‌وری اقتصادی.
- سواد اقتصادی: توانایی شناخت مسایل اقتصادی، راهکارها، هزینه‌ها و منافع، تجزیه و تحلیل محرک‌های اقتصادی، سنجش پیامدهای تغییرات اقتصادی و سیاسی، جمع‌آوری و سازمان‌دهی شواهد اقتصادی، و هماهنگ کردن درآمد و هزینه.
- سواد فناوری: دانستن این که فناوری چیست، چگونه کار می‌کند، در خدمت چه اهدافی است و علم به چگونگی استفاده کارآمد از آن برای رسیدن به هدف‌ها.
- سواد بصری: توانایی استفاده، تفسیر، درک ارزش و خلق تصاویر ثابت و متحرک با کمک امکانات موجود در عصر حاضر برای تفکر، تصمیم‌گیری، ارتباط و یادگیری بهتر.

- سواد اطلاعاتی: توانایی ارزیابی اطلاعات به دست آمده از رسانه‌های گوناگون، تشخیص این که چه زمانی به اطلاعات نیاز است، تعیین محل ترکیب و کاربرد مفید اطلاعات، و انجام بهینه امور فوق با استفاده از فناوری، شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی.
 - سواد چندفرهنگی: توانایی درک و ارج نهادن به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در رسوم، ارزش‌ها و عقاید فرهنگ بومی و فرهنگ‌های دیگر.
 - آگاهی جهانی^۱: شناخت و درک ارتباطات بین‌المللی کشورها و سازمان‌ها، نهادهای اقتصادی دولتی و خصوصی، گروه‌ها و شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی در سراسر جهان.
- سرمایه اجتماعی نیز در این پژوهش به عنوان "روابط، شبکه‌ها و هنجارهایی تعریف شد که کنش جمعی را تسهیل می‌کند" (OECD, 2001). روشی که برای ارزیابی سرمایه اجتماعی کلاردشت استفاده شد، استفاده از شاخص‌های معرفی شده در "پرسشنامه جامع اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی"^۲ بود (Grootaert et al., 2004). این پرسشنامه به ویژه برای کاربرد در کشورهای در حال توسعه طراحی شده و هدف از اجرای آن ارزیابی دربارهٔ ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در یک جامعه است. بدین ترتیب متغیرهایی که در ارتباط با سرمایه اجتماعی در کلاردشت مورد ارزیابی قرار گرفتند عبارت است از:
- گروه‌ها و شبکه‌ها: تعهد و اشتغال مردم به سازماندهی خویش و بسیج منابع برای حل مشکلات مشترک یکی از نتایج فعالیت گروه‌ها و شبکه‌ها در سطح جامعه است که بر مبنای سرمایه اجتماعی آن جامعه شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر انتظار می‌رود در جامعه‌ای با سرمایه اجتماعی بالا، میزان فعالیت و اثر بخشی گروه‌ها و شبکه‌های فعال آن جامعه نیز بالاتر باشد.
 - اعتماد متقابل و همبستگی: این مؤلفه از رفتار افراد جامعه شکل دهندهٔ گرایش‌ها و رویکردهای آنان نسبت به تعامل با یکدیگر است. هنگامی که اعتماد متقابل افراد و همچنین اعتماد افراد به سازمان‌های فعال در آن جامعه بالاتر باشد، دستیابی به توافقات و انجام معاملات ساده‌تر می‌شود.
 - همکاری و تشریک مساعی: اجرای بسیاری از خدمات در یک جامعه مستلزم تشریک مساعی افراد آن جامعه است. این همکاری می‌تواند با هدف‌های مختلفی چون ایجاد و نگهداری زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، ارتقاء سطح پاسخگویی مدیران محلی، یا مثلاً کسب امتیاز از نهادهای برنامه‌ریزی برای دریافت خدمات و منابع بیشتر باشد.
 - ارتباطات و اطلاعات: ارتباطات و اطلاعات بنیان تعاملات اجتماعی را تشکیل می‌دهد. جریان عمودی اطلاعات از سطح سیاست‌گذاران به پایین و از سطح محلی به سطح تصمیم‌گیری مؤلفه‌هایی مهم در فرایند توسعه هستند. جریان افقی اطلاعات نیز موجب تبادل تجربیات در سطح جامعه و ایجاد یک گفتمان سازنده خواهد شد که بی‌اعتمادی‌ها و سوء تفاهم‌ها را از بین خواهد برد.

¹ Global Awareness² Social Capital Integrated Questionnaire (SC-IQ)

- دربرگیری و پذیرش اجتماعی: دربرگیری و پذیرش اجتماعی مشوق دستیابی افراد جامعه به فرصت‌های برابر است و موانع رسمی و غیررسمی مشارکت آحاد جامعه را از بین می‌برد.
- توانمندسازی و کنش سیاسی: توانمندسازی به توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های افراد جامعه برای شرکت در گفتگوها، تأثیرگذاری‌ها، و کنترل‌های اجتماعی اشاره دارد. این فرایند به ارتقاء سطح زندگی افراد جامعه منجر خواهد شد. توانمندسازی افراد جامعه، متضمن پاسخگویی بیشتر نهادهای حکومتی خواهد بود. کنش سیاسی یکی از ابزارهایی است که در پی توانمندشدن افراد یک جامعه می‌تواند در جهت بهبود وضعیت زندگی آن جامعه به کار گرفته شود.

سرمایه‌های اقتصادی بر اساس دو متغیر رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی، که دو مفهوم متمایز اما وابسته به هم هستند سنجیده می‌شود. رشد اقتصادی یک فاکتور کمی بوده و با شاخص‌هایی همچون؛ درآمد سرانه سنجیده می‌شود در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی بوده و با معیارهای زیربنایی تری همچون: نوآوری در فناوری و تعداد نیروی انسانی ماهر و کارآمد در یک جامعه، محک زده می‌شود. برخلاف اینکه رشد اقتصادی پیشنیاز توسعه اقتصادی است (SOUBBOTINA, 2004) اما در کشور ما اغلب، این دو مفهوم با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شود. شاخص‌های اقتصادی در این پژوهش عبارتند از:

- درآمد سرانه: عبارت است از نسبت جمعیت بومی به GDP محلی. در این خصوص هیچگونه اطلاعات قابل استنادی یافت نشد، اما درآمد بومیان منطقه علاوه بر درآمدهای ثابت آن‌ها، اغلب به صورت فصلی، تابعی است از متغیر فروش زمین؛
- نوآوری در فناوری: نوآوری عبارت است از تجاری کردن ایده (خلیل، تارک، ۱۳۸۱). بنابراین نوآوری در فناوری عبارت است از تجاری کردن ایده از طریق توسعه‌ی فناوری. در کلاردشت زیرساخت‌های فناوری به ویژه فناوری‌های نوین و تأثیرگذار بر اقتصاد منطقه (که مفهوم اقتصاد دیجیتال بر این اساس شکل می‌گیرد)، چه به لحاظ نرم، سخت و مغز افزاری توسعه پیدا نکرده است.
- تعداد نیروی انسانی ماهر و کارآمد: عبارت است نیروهای کاری که توانمندی استفاده از دانش خود، برای حل مسایل واقعی جامعه محلی را داشته باشند. در کلاردشت به دلیل فقدان مراکز علمی - پژوهشی و مراکز رشد (انکوباتورها)، که وظیفه آن‌ها ارتقای سطح دانش و مهارت‌های حرفه‌ای افراد است، تعداد نیروهای ماهر و کارآمدی که توانمندی حل مسایل واقعی جامعه را داشته باشند اندک است.
- تعداد پژوهشگر (منصوری، ۱۳۷۸): در کلاردشت تعداد افرادی که به صورت حرفه‌ای بر روی مسایل کلاردشت پژوهش کرده باشند نسبت به کل جمعیت آن، بسیار اندک است. به طوریکه طی ۱۵ سال گذشته تنها در قالب ۲ رساله دکترا و ۷ رساله کارشناسی و کارشناسی ارشد، مسایل منطقه مورد کاوش و بررسی علمی قرار گرفته، به گونه‌ای که جامعه انسانی، طبیعی و مدیریتی کلاردشت استفاده اندکی از یافته‌های این پژوهشگران برده است.

در حوزه سرمایه‌های طبیعی از شاخص‌های توصیه‌شده توسط بانک جهانی (Segnestam, 2002, Segnestam,) (1999) برای انجام پژوهش استفاده شد. این شاخص‌ها در موارد زیر دسته‌بندی شدند:^۱

- جنگل: جنگل‌زدایی و قطع درختان، پاکیزگی جنگل‌ها، جنگل‌کاری و احیاء درختان؛
- تنوع زیستی: شکارهای قانونی و غیرقانونی، دست‌اندازی و آسیب به گونه‌های گیاهی و جانوری در اثر توسعه، تعداد و تنوع گونه‌های گیاهی و جانوری؛
- استفاده از زمین: پوشش گیاهی طبیعی، زمین‌های کشاورزی و باغداری، فرسایش خاک، تخریب کوه‌ها؛
- آلودگی آب: آب شرب، آب کشاورزی، دفع و تصفیه فاضلاب‌ها؛
- آلودگی هوا: صدور گازهای گلخانه‌ای، CO_2 و CH_4 .

در بررسی بعد ثبات محیط محلی، معیارهای زیر به عنوان عوامل تاثیرگذار بر تثبیت فرایند توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی جامعه کلاردشت بررسی گردید که اشاره بر محیط دور و نزدیک جامعه کلاردشت دارد. محیط دور با استفاده از آنالیز^۲ PEST و محیط نزدیک با الهام‌گیری از ۵ نیروی رقابتی پورتر در حوزه مدیریت استراتژیک - شامل: تامین‌کننده‌ها، رقبای اصلی، تازه‌واردین، مشتریان و محصولات جایگزین (David, 2001) مورد بررسی قرار گرفت (که در این مطالعه از معادل‌های مشابه استفاده شده):

- ثبات سیاسی کشور؛ میزان "تمایل ماندگار" دولت مرکزی نسبت به افزایش سرمایه‌های ملی که منجر به افزایش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی منطقه کلاردشت شود.
- تحولات اجتماعی کلان؛ میزان تاثیرگذاری وضعیت رشد یا افول شاخص‌های توسعه اجتماعی نظیر: اطلاعات معتبر، دانش، روش، منش، خرد، علم، فناوری، سواد، تعداد پژوهشگر و مانند آن بر افزایش یا کاهش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کلاردشت.
- تحولات اقتصادی کلان؛ میزان تاثیرگذاری وضعیت رشد یا افول شاخص‌های اقتصادی نظیر: تولید سرانه ملی، تورم، بیکاری یا اشتغال، بورس و مانند آن بر افزایش یا کاهش سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی کلاردشت.
- تحولات جهانی فناوری؛ میزان تاثیرپذیری سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کلاردشت از تغییرات پارادایمی که در روندهای جهانی مشهود و ریشه‌های فناوری دارد.
- دلالان سنتی؛ عبارت است از کسانی که از طریق زمین‌خواری، قاچاق چوب، قاچاق معادن و آثار باستانی کلاردشت سبب کاهش سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و طبیعی آن می‌شوند.
- تازه‌واردین به منطقه کلاردشت؛ عبارت است از کسانی که عمل دلالان سنتی را به روش‌های نوتر و شیوه‌های مدرن‌تر انجام می‌دهند (و معمولاً دارای تحصیلات عالی هستند).

^۱ شاخص‌های مربوط به گرم شدن زمین نیز در مطالعات Segnestam آورده شده بود که در این پژوهش در نظر گرفته نشد.

^۲ Political, Economic, Social, Technology

- مشتریان جامعه کلاردشت؛ عبارت است از کسانی که معمولاً در قالب گردشگر یا سرمایه‌گذار وارد منطقه شده و بر کاهش یا افزایش سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی کلاردشت تاثیر می‌گذارند.
- درآمدهای جایگزین؛ شامل درآمدهای مبتنی بر دانش و مهارت است که (برخلاف درآمدهای حاصل از دلالی یا واسطه‌گری) سبب افزایش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کلاردشت می‌شود. و یا بر عکس، شامل درآمدهای کاذب با فرمت جدیدی است که سبب کاهش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی منطقه گردد.

بالاخره در آخرین بُعد، توان بازدارندگی جامعه محلی در برابر زدایش محیط زیست با استفاده از شاخص‌های زیر مورد پرسش قرار گرفت:

- توانمندی سازمان‌های غیردولتی محلی در آگاه‌سازی مردمی و فرهنگ‌سازی؛
- اثرگذاری افراد صاحب‌نفوذ محلی بر دستگاه‌های دولتی جهت کاهش یا جلوگیری از زدایش؛
- جسارت مدیران محلی در برابر عاملان زدایش؛
- حمایت مدیریت ارشد استانی و کشوری از طرح‌های توسعه پایدار محلی؛
- حمایت خیرین اقتصادی از طرح‌های تحول و توسعه پایدار محلی.

گام‌های طی شده برای سنجش وضعیت پایداری توسعه در کلاردشت

پس از معرفی و تبیین معیارهای معرف ابعاد چهارگانه نمودار ارزیابی توسعه پایدار در منطقه کلاردشت برای ۳۱ نفر از خبرگان محلی، طی ملاقات‌هایی حضوری و با استفاده از روش پرسش‌نامه‌ای نظرات ایشان در مورد این معیارها سنجیده شد. در این مرحله، از چارچوب توسعه داده شده توسط ولفرد (Welford, 1997) برای ارزیابی وضعیت توسعه پایدار الگو گرفته شد. استفاده از الگوی ولفرد مقیاس ارزیابی ابعاد چهارگانه نمودار توسعه پایدار را از شش واحد مرسوم در ماتریس SPACE به هفت واحد تغییر داد. این هفت واحد در پرسشنامه‌هایی که به افراد خیره داده شد در قالب عبارت‌های: "کاملاً مخالفم"، "مخالفم"، "نسبتاً مخالفم"، "نه مخالفم و نه موافق"، "نسبتاً موافقم"، "موافقم" و "کاملاً موافقم" خود را نشان می‌دادند.

در این مرحله مشابه روش SPACE:

۱. در محورهای سرمایه‌های انسانی-اجتماعی-اقتصادی و سرمایه طبیعی، به معیارها از ۱+ (کاملاً مخالفم) تا ۷+ (کاملاً موافقم) نمره داده شد.

۲. در محورهای ثبات محیطی و توان بازدارندگی جامعه کلاردشت در برابر زدایش، به متغیرها از ۱- (کاملاً موافقم) تا ۷- (کاملاً مخالفم) امتیاز داده شد.

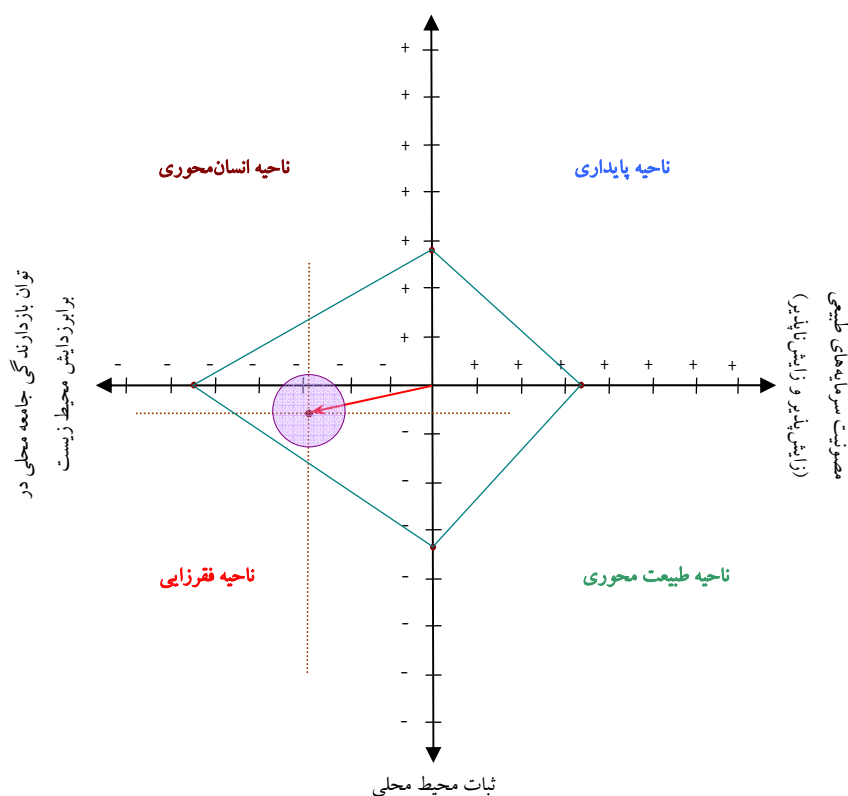
بدین ترتیب ادامه کار با روش SPACE موزون پیش رفت^۱:

۳. میانگین موزون هر یک از محورهای نمودار به دست آمد.

۱- روش‌شناسی محاسبات پژوهش در پیوست شماره ۱ و نتایج پرسشنامه‌های تکمیل‌شده همراه با محاسبات اعمال وزن هر یک از معیارها در پیوست شماره ۲ مقاله آمده است.

۴. امتیاز محور Y ها یعنی سرمایه انسانی، اقتصادی و اجتماعی با ثبات محیطی، جمع شد و نقطه متعلق به محور Y ها مشخص گردید. امتیاز محور X ها یعنی مصونیت سرمایه طبیعی و توان بازدارندگی محیط محلی نیز با یکدیگر جمع شد و نقطه متعلق به محور X ها معلوم گردید.
۵. از نقطه امتیاز محور X خطی عمودی و از نقطه امتیاز محور Y افقی خطی ترسیم شد تا محل تقاطع آن ها مشخص شود. نقطه محل تقاطع این دو خط به عنوان ناحیه ای که وضعیت توسعه کلاردشت در سال های اخیر در آن قرار گرفته است تفسیر شد. این نقطه با مختصات $(-۰/۵۴, -۲/۰۹)$ در ناحیه جنوب غربی نمودار یا همان ناحیه فقرزایی به دست آمد که در شکل ۱۲ مشخص شده است.
۶. با توجه به این که نقطه $(-۲/۰۹, -۰/۵۴)$ که مرکز ثقل چهارضلعی حاصل از تلاقی نقاط فرایند ارزیابی نیز محسوب می شود، تنها یک نقطه از منطقه ای خاص را در ماتریس شکل ۱۲ نشان می دهد و رویکردی قطعی^۱ به تعیین وضعیت پایداری دارد، مطابق با الگوی گلاوین با رسم دایره ای به شعاع واحد و به مرکزیت مرکز ثقل چهارضلعی، دایره ای رسم شد تا با رویکردی فازی^۲ وضعیت پایداری مورد بررسی قرار گرفته باشد.

سرمایه های انسانی، اجتماعی و اقتصادی



شکل ۱۲. نتایج حاصل از ارزیابی پایداری توسعه در منطقه کلاردشت (منبع: یافته های پژوهش)

¹ Crisp

² Fuzzy

یافته‌های تحقیق

در شکل ۱۲، مقیاس (+۷) معرف حداکثر مصونیت برای سرمایه‌های طبیعی و بیشترین مقدار انباشتگی برای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی می‌باشد اما؛ ملاحظه می‌شود که محاسبات انجام شده، هر دو معیار را کمتر از حد متوسط (۳/۵+)، نشان می‌دهد. از دیگر سو، مقیاس (-۷) نشان دهنده کمترین توان بازدارندگی جامعه محلی در برابر زدایش محیط زیست و معرف حداقل ثبات محیط محلی می‌باشد. محاسبات انجام شده با استفاده از روش PW، حاکی از آن است که میل دو معیار اخیر در کلاردشت، به سمت حداقل است. به عبارت دیگر، ناموزون بودن فرم ظاهری چهارضلعی واقع در دستگاه مختصات شکل ۱۲، مبین ناپایداری و یا نامتوازن بودن توسعه محلی در کلاردشت است.

اگرچه مرکز ثقل چهارضلعی یاد شده که از تلاقی برآیندی چهار راس آن ایجاد شده، در ناحیه فقرزایی قرار دارد اما دایره به شعاع واحد و به مرکزیت مرکز ثقل چهارضلعی، دربرگیرنده ناحیه انسان محوری نیز می‌باشد. البته این بدان مفهوم است که حدود ۱۰ درصد از حجم توسعه صورت گرفته در کلاردشت، انسان محور و حدود ۹۰ درصد آن فقرزا عمل کرده است. باید توجه داشت که انسان محور بودن توسعه در کلاردشت به مفهوم گسترش سرمایه‌های فیزیکی است که با کاهش سرمایه‌های اجتماعی، انسانی و طبیعی همراه بوده است.

خلاصه این که نتایج حاصل از مطالعات این پژوهش از ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت حکایت می‌کند. انتساب صفت ناپایداری به توسعه در کلاردشت، برای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی - به مفهوم کاهش، برای سرمایه‌های طبیعی زایش‌پذیر - به مفهوم بازگشت‌پذیر و برای سرمایه‌های زایش‌ناپذیر - به مفهوم غیرقابل بازگشت است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، پایداری توسعه محلی در کلاردشت مورد سنجش علمی قرار گرفت. فرایند سنجش طی هفت گام زیر صورت پذیرفت:

۱. شناسایی معیارها و استانداردهای تعریف شده از سوی موسسات بین‌المللی برای توسعه پایدار
۲. نمونه‌گیری^۱ از دستاوردهای توسعه محلی در کلاردشت
۳. گردآوری داده^۲
۴. صافی‌سازی^۳ داده‌ها
۵. اندازه‌گیری^۴ معیارهای بومی شده در کلاردشت و پردازش^۵ اطلاعات
۶. پایش^۶ و مقایسه نتایج حاصل از توسعه محلی با معیارهای معرفی شده برای توسعه پایدار توسط موسسات بین‌المللی

^۱ Sampling

^۲ Data Gathering

^۳ Filtering

^۴ Measuring

^۵ Processing

^۶ Monitoring

۷. ارایه راه حل برای کاهش یا حذف شکاف بین توسعه محلی با معیارهای جهانی

پس از نمونه‌گیری، گردآوری داده‌ها و دسته‌بندی آن‌ها مشخص شد که طی ۲۰ سال گذشته پروژه‌های سریالی همچون خرید زمین‌های بومیان کلاردشت توسط ثروتمندان غیربومی، پروژه آزاد راه تهران-شمال، طرح خروج دام از جنگل، طرح واگذاری جنگل‌ها به کارمندان دولت، پروژه استخراج سنگ از (معدن بریر) در منطقه رودبارک و نهایتاً احداث سد آبی برای نیروگاه سیاه‌پیشه، سبب کاهش سرمایه‌های زایش‌پذیر طبیعی و موجب زدایش سرمایه‌های زایش‌ناپذیر طبیعی در کلاردشت شده است. هم‌چنین پردازش اطلاعات بازیافت شده از عمل صافی‌سازی داده‌های این پژوهش که نتایج توسعه محلی را در ۲۰ سال گذشته، با معیارهای جهانی توسعه مقایسه کرده، نشان می‌دهد که توسعه محلی در کلاردشت نه تنها پایدار نبوده بلکه فقرزا نیز عمل کرده است. در واقع، گسترش سرمایه‌های فیزیکی در این منطقه به قیمت کاهش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و یا زدایش سرمایه‌های طبیعی عمل کرده است. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری نسنجیده و غیر علمی در صنعت گردشگری، تهی‌سازی در انواع سرمایه‌های پایه این منطقه زیبا از کشورمان را به دنبال داشته است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهمترین علل ناپایداری توسعه محلی که فقرزایی را در جامعه کلاردشت در پی داشته، فقدان سرمایه‌های انسانی است. نبود دانشگاه، مراکز علمی-پژوهشی و مراکز رشد، سبب بروز ضعف در زیرساخت‌های اساسی همچون: دانش، روش، منش، علم، خرد، سواد، اطلاعات، ارتباطات اثربخش و فناوری در منطقه شده و این پدیده نیز خود، سبب در اختیارگیری فرآیندهای مدیریتی منطقه، توسط افراد با سطح توانمندی و کارآمدی پایین‌تر شده است. هم‌چنین نتایج تکمیلی این پژوهش حاکی از آنست که اگر سرمایه‌های انسانی منطقه در سطوح قابل قبولی هم ارتقاء یابد اما به سرمایه‌های اجتماعی همچون اعتماد متقابل، کنش سیاسی و اجتماعی، سطح مشارکت‌پذیری مردم و تعهد متقابل توجه جدی نشود، برنامه-ریزی برای توسعه و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، کاری عبث و بیهوده است.

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در کلاردشت ارتباط اندکی با ماموریت‌های صنعت گردشگری طبیعی دارد. بنابراین نظام مدیریت شهری منطقه، بایستی از طریق طراحی سیستم‌های مدیریت سرمایه، به گونه‌ای عمل نماید تا به جذب سرمایه‌های بخش خصوصی منجر شود. این سیستم‌ها بایستی در جهت فعال‌سازی موتورهای رشد اقتصادی منطقه از جمله بالفعل‌سازی جاذبه‌های گردشگری منطقه شامل جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و بافت کهن و فرصت‌های کشاورزی شامل گیاهان دارویی و زینتی عمل نماید. در این صورت، نه تنها محرک‌های رشد اقتصادی محلی به صورت موثر فعال می‌شود بلکه شاخص‌های توسعه اقتصادی نیز جان تازه‌ای به خود می‌گیرد. مدیران محلی و استانی بایستی توجه داشته باشند که در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه‌ای، ابتدا راه کارها و تمهیدات لازم را برای حفاظت از جنگل‌ها و محیط‌زیست را فراهم نمایند، سپس به مسایل اساسی دیگر بپردازند زیرا در غیر این صورت حلقه‌های رشد دیگری را برای تقویت چرخه تخریب محیط زیست منطقه فعال می‌کنند.

هم چنین در کشور ما مشکل کمبود ماده یا تبصره‌های قانونی وجود ندارد اما آن چیزی که سبب نابودی فضای عملیاتی یا تهی‌سازی سرمایه‌ها می‌شود، عدم اجرای درست قوانین است. بنابراین مطابق اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی ایران، سیستم‌های قضایی نیز بایستی به گونه‌ای متحول شوند تا به عنوان پشتیبانی کننده از قوانینی که بدون پیش زمینه‌های علمی و کارشناسی به ناپایداری توسعه همچون ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت یاری می‌رسانند، عمل نکنند.

مدیران و تصمیم‌سازان کلان کشور بایستی توجه داشته باشند که ابتدا در سنجش و ارزیابی قابلیت اطمینان مدل‌های توسعه‌ای خود حداکثر درایت و حساسیت را به خرج دهند و پس از تست آن در یک یا چند پایلوت مشخص، به نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید آن اشراف پیدا کرده و در جهت رفع موانع و چالش‌های موجود تمهیدات لازم را در پیش گیرند. مدیران و مسئولان محلی و استانی نیز باید توجه داشته باشند که با نام قانون و با ارایه مجوزهای غیر کارشناسی شده، منابع ملی و سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی را فدای طرح‌هایی نکنند که معمولاً با اصطلاحاتی همچون: حفظ محیط‌زیست، بهره‌برداری اقتصادی از طبیعت، سرمایه‌گذاری یا کارآفرینی خلط می‌شود.

منابع

۱. ابراهیمی، محمدرضا (۱۳۷۹) مجموعه مکاتبات سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور در پاسخ به اعتراضات مردمی در مورد واگذاری جنگل‌های کلاردشت بابت پروژه آزادراه تهران-شمال.
۲. برارپور، کوروش (۱۳۸۴) "چشم‌انداز کلاردشت برای افق ۱۴۰۴"، مجموعه سخنرانی‌های همایش نخبگان علمی کلاردشت.
۳. برارپور، کوروش (الف ۱۳۸۵) "فوریت، ضرورت و اهمیت ایجاد تحول با رویکرد توسعه پایدار در کلاردشت"، مجموعه مقالات اولین گفتمان نیم‌روزه توسعه پایدار در کلاردشت.
۴. برارپور، کوروش (ب ۱۳۸۵) "طرح تحول و سامان‌دهی استان مازندران"، مجموعه مباحث علمی طرح‌شده در نشست دفاعیه طرح تحول استان مازندران - نشست مشترک مدیران ارشد استان مازندران و منتخب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های کشور.
۵. برارپور، کوروش (پ ۱۳۸۵) سواد عصر دیجیتال و مهارت‌های قرن ۲۱، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف (در دست چاپ).
۶. برارپور، کوروش و کیانوش کلانتر (الف ۱۳۸۵) کلاردشت و معمای توسعه پایدار، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت تهران.
۷. پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۱) پاسخ به تاریخ، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، انتشارات رخ، ۱۳۷۱، صص ۲۹۷-۱۶۵.
۸. حاتمی، بیژن (۱۳۸۵) "نقش دانشگاه‌ها و پارک‌های علمی - تحقیقاتی در توسعه کلاردشت"، مجموعه مقالات اولین گفتمان نیم‌روزه توسعه پایدار در کلاردشت.
۹. جلالی، محمد (۱۳۸۵) "بازپس‌گیری جنگل‌های واگذار شده کلاردشت بابت پروژه آزادراه تهران-شمال توسط دولت جدید"، آرشیو مجموعه مصاحبه‌های پژوهشگران با رییس سازمان جنگل‌ها و مراتع.

۱۰. خلیل، تارک (۱۳۸۱) "مدیریت تکنولوژی، رمز موفقیت و خلق ثروت"، ترجمه: کامران باقری، ناشر: مرکز تکنولوژی نیرو (متن)، ص ۹۵.
۱۱. سلیمان پور، شجاع (۱۳۸۴) توقف فعالیت شرکت بهره برداری از سنگ های تزئینی در کلاردشت، روزنامه ایران، ۲۹ آبان.
۱۲. سلیمان پور، شجاع (۱۳۸۵) "کلاردشت و بحران توسعه پایدار"، مجموعه مقالات اولین گفتمان نیم‌روزه توسعه پایدار در کلاردشت.
۱۳. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۷۰) "خطبه‌های نماز جمعه تهران - کلاردشت بهشت گمشده"، مجلد روزنامه اطلاعات، اردیبهشت ماه.
۱۴. علی احمد کروری، سودابه (۱۳۷۸) "روش احیای منابع طبیعی تجدیدشونده تخریب یافته ایران - تئوری، توصیه و فناوری‌های جدید"، فصلنامه جنگل و مرتع، شماره ۴۵، ص ۴۹.
۱۵. کامینگز، توماس جی. و کریستوفر جی. وِرلی (۱۳۸۵) تحول و توسعه سازمان، ترجمه کوروش برارپور، انتشارات ساپکو - فرازاندیش سبز، صص ۵۷۵ و ۷۷۰.
۱۶. محسنی، انوشیروان (۱۳۸۴) "پروژه آزادراه تهران-شمال"، پیک خزر، دی ماه.
۱۷. ملکپور، علی (۱۳۷۸)، کلاردشت (جغرافیا، تاریخ و فرهنگ)، انتشارات کارآفرینان، چاپ دوم.
۱۸. منصور، رضا (۱۳۷۸)، ایران ۱۴۲۷، انتشارات طرح نو، ص ۲۰۰.

19. BOLT, K., MATETE, M. & CLEMENS, M. (2002) Manual for Calculating Adjusted Net Savings, Washington D.C., The World Bank Environment Department.
20. CLARK, W. C. (1989) Managing planet earth. Scientific American, 261, 47-54.
21. DAVID, F. R. (2001) Strategic Management; Concepts and Cases, Harlow, Prentice Hall.
22. EU (2000) European 5th & 6th Framework Program: Environmental Strategies for Cities; A Framework for Urban Environmental Planning and Management. Urban & City Management. Goa.
23. GLADWIN, T. N. (1997) Developing reputations for global sustainability. Stern Business 4, 28-31.
24. GLADWIN, T. N. (2000) A Call for Sustainable Development. Mastering Strategy. Harlow, Financial Times / Prentice Hall.
25. GLADWIN, T. N., KENNELLY, J. & KRAUSE, T. (1995) Shifting Paradigms for Sustainable Development: Implications for Management Theory and Research. Academy of Management Review, 20 (October), 874-907.
26. GORE, A. (1992) Earth in balance: Ecology and the human spirit, New York, Houghton Mifflin.
27. GROOTAERT, C., NARAYAN, D., NYHAN JONES, V. & WOOLCOCK, M. (2004) Measuring Social Capital; An Integrated Questionnaire, Washington, D.C., The World Bank.
28. GUNN, C. A. (1994) Tourism Planning: Basic, Concept, Cases., Washington D.C., Taylor & Francis Group.
29. LEE, K. N. (1993) Greed, scale mismatch and learning. Ecological Applications, 3, 560-564.
30. OECD (2001) The Well-Being of Nations: The role of human and social capital. Paris, Centre for Educational Research and Innovation.

31. ROLSTON, H. (1994) Conserving natural value, New York, Columbia University Press.
32. SEGNESTAM, L. (1999) Environmental Performance Indicators. Environmental Economics Series. Washington, D.C., The World Bank Environment Department.
34. SEGNESTAM, L. (2002) Indicators of Environment and Sustainable Development. Washington ,D.C., The World Bank Environment Department.
35. SOUBBOTINA, T. P. (2004) Beyond Economic Growth; An Introduction to sustainable Development, Washington, D.C., The World Bank.
36. STATISTICS CANADA (2005) Learning a Living: First Results of the Adult Literacy and Life Skills Survey. Ottawa, Organisation for Economic Co-operation and Development.
37. STERMAN, JOHN.D. (2000), Business Dynamics, Mc Grow-Hill Higher Education, pp.85-104.
38. THE WORLD BANK (2006a) Development Glossary. Washington D.C., The World Bank Group.
39. THE WORLD BANK (2006b) Sources of Social Capital. Washington D.C., The World Bank Group.
40. THE WORLD BANK (2006c) What is Sustainable Development? Washington D.C., The World Bank Group.
41. THE WORLD BANK (2006d) Where is the Wealth of Nations? Measuring Capital for the 21st Century, Washington D.C., The World Bank Group.
42. THE WORLD BANK (2006e) World Development Indicators, Washington, D.C., The World Bank Group.
43. UNDP (2005) Human Development Report 2005;International cooperation at a crossroad, New York, United Nations Development Program.
44. UNITED NATIONS (2006) Trends in Sustainable Development, New York, United Nations, Department of Economic and Social Affairs.
45. VIEDERMAN, S. (1994) The economics of sustainability: Challenges. The Economics of Sustainability. Recife, Brazil, Fundacao Joaquim Nabuco.
46. WELFORD, R. (1997) Hijacking Environmentalism: Corporate response to sustainable development, London, Earthscan.
47. WHITE, C. (2004) Strategic Management, New York, Palgrave Macmillan.
48. WORLD COMMISSION ON ENVIRONMENT AND DEVELOPMENT (1987) Our Common Future, Oxford, Oxford University Press.